



آخرین دغدغه امام خمینی

در این جا تصمیم بر این نیست که تمام نقطه نظرات مهم امام که با مردم در میان گذاشته است مورد بررسی قرار گیرد، چرا که در طول سال‌های گذشته و در خرداد ماه هر سال بخشی از این مطالب مورد مذاقه قرار گرفته و به‌طور تفصیل به آن‌ها پرداخته شده است. به همین دلیل در خرداد ماه امسال در پی این هستیم که به یکی از مهم‌ترین ایده‌های امام که بارها مورد تأکید ایشان بوده پردازیم و از جنبه‌های مختلف این موضوع مهم را بررسی نماییم.

حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران از شاهیت‌های کلام امام است که بارها و بارها مورد تأکید قرار گرفت و در نهایت، به این جمله منتهی شد که حفظ نظام از اوجب واجبات است. این جمله حاکی از این نظر است که این موضوع نه تنها مانند فروع دین، اجرایش بر همگان واجب است بلکه از نظر

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی و پایه‌گذار جمهوری اسلامی ایران در طول مبارزات مردم ایران در قبل و بعد از پیروزی انقلاب، نظریات خود را در مورد مسایل مهم سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بیان می‌داشت و هر کدام از آن‌ها در جای خود دارای اهمیت و راهگشا بود و سرمشق یک سری از اقدامات اجرایی قرار می‌گرفت.

نکته پرارزش اظهارات ایشان این بود که مخاطب اصلی آن‌ها، مردم در درجه اول و مسؤولان در رتبه بعدی بودند. به عبارت دیگر، امام دستورات حکومتی خود را به‌طور مستقیم به صاحب‌منصبان کشور ارایه می‌کرد اما نقطه نظرات دینی و سیاسی را به‌طور مستقیم با مردم در میان می‌گذاشت. این روش ایشان باعث می‌شد نظریات امام به‌صورت مطالبات مردمی در آید تا مسؤولان که باید پاسخگوی مردم باشند، به اجرای آن ایده‌ها پردازند.

رتبی دارای ارجحیت می‌باشد و به‌عنوان واجب‌ترین واجب‌ها شناخته شده است.

برای درک و بررسی دقیق‌تر این نظریه امام خمینی که تا حدی عجیب به‌نظر می‌آید، ضروری است به کند و کاو بیشتر موضوع پرداخته و با دقت و تفقه بیشتر به عمق تئوری ایشان در این زمینه پی ببریم.

بعضی از پیروان امام خمینی که علاقه زیادی هم به ایشان داشتند، از این جمله امام - حفظ نظام از اوجب واجبات است - این برداشت را داشتند که برای حفظ نظام باید تلاش کرد و دست به هر کاری زد تا این هدف محقق شود. این گروه چون به هدف فکر می‌کردند، وسیله را دارای اهمیت نمی‌پنداشتند و نسبت به صحیح یا غلط بودن آن حساسیت نداشتند.

در واقع، این بخش از پیروان، طرفدار تر - هدف وسیله را توجیه می‌کند - بودند و از کاربرد وسایل بد و نامناسب که هیچ‌گونه سختی با هدف پاک اصلی نداشت، ابایی نداشتند. این گروه که شاید صادقانه به این روش معتقد بودند، نمی‌دانستند که وسیله بد و نامناسب به مرور زمان هدف خوب و مناسب را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث تخریب هدف مقدس هم می‌شود. به همین دلیل دست به اقداماتی زدند که در نهایت، باعث واکنش خود امام خمینی شد و اقدامات آن‌ها را زیر سؤال برد و حتی نسبت به آن کارها تبری جست.

تعیین هیئت تحقیق از زندان اوین از طرف امام خمینی در سال‌های اولیه دهه شصت که با تئوری فوق زندان را اداره می‌کردند، از عکس‌العمل‌هایی بود که امام نسبت به گزارش‌های دریافتی از زندان

اوین از خود نشان داد.

اکنون ضروری است با توجه و دقت بیشتر، این جمله امام را مورد بررسی قرار دهیم تا به عمق اندیشه امام در این زمینه پی ببریم.

امام خمینی می‌گوید حفظ نظام از اوجب واجبات است. در ابتدا، ضروری است به تعریف تفصیلی از نظام که امام خمینی حفظ آن را واجب می‌داند بپردازیم. ایشان حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران را از اوجب واجبات می‌داند. به عبارت دیگر، ایشان نظامی را قابل حفظ می‌داند که اولاً جمهوری و ثانیاً اسلامی بوده و در کشوری به نام ایران برقرار باشد. اکنون باید به این نکته مهم اشاره کنیم که نظام جمهوری اسلامی چگونه نظامی است. امام خمینی در پاریس می‌گوید جمهوری مثل همین جمهوری‌هایی است که در اروپا و غرب وجود دارد و از آن‌جا که مردم ایران مسلمان هستند، قوانین این جمهوری بر مبنای اسلام است. شرح این گفته چنین است که حکومت ایران بر مبنای آرای مردم ایران شکل می‌گیرد و تمام سطوح حکومتی از بالاترین تا پایین‌ترین مقام آن مشروعیت خود را از آرای مردم به‌دست می‌آورند. به همین دلیل بر طبق قانون اساسی، رهبری، رییس جمهور نمایندگان مجلس، وزراء، رییس قوه قضاییه و... به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم با آرای مردم انتخاب می‌شوند و تغییر و جابجایی آن‌ها نیز از همین طریق اعمال می‌گردد.

نکته دیگر این که در نظام جمهوری اسلامی ایران باید اسلام در تمام شؤون جامعه حاکم باشد و قوانین تصویبی نباید مغایرتی با اسلام داشته باشد. این نکته نیز در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته

۴ دازی

سال بیست و ششم، شماره ۳، خرداد ۹۴ | پیاپی ۳۰۳
۱۸۳

و شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی موظف به اجرای آن شده‌اند.

با توجه به نکات مذکور، حفظ نظام به معنای حفظ آراء و خواسته‌های مردم از یک طرف و اجرای قوانین و ضوابط اسلامی از جانب دیگر است. به عبارت دیگر، نظام جمهوری اسلامی ایران دارای یک قالب و یک محتوا است که حفظ نظام به معنای حفظ هر دوی آنها است و حفظ یکی بدون همراهی دیگری امکان‌پذیر نیست و دیگر آن نظام مورد نظر امام خمینی نیست.

در یک نظام جمهوری، خواسته و نیازهای مردم اصل است و حکومت باید در جهت پاسخ به این مطالبات حرکت کند. خواسته‌های مردم جنبه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دارند که در رأس آنها عدالت، آزادی، رفاه و پیشرفت قرار دارند. در صورتی که حکومت در جهت تأمین این خواسته‌ها حرکت کند حکومت جمهوری است وگرنه، نه.

اجرای قوانین اسلام و دستورات دینی در حکومت و جامعه از مختصات جمهوری اسلامی است که اگر مورد توجه قرار نگیرد، دیگر حکومت محتوای اسلامی ندارد گرچه نام آن اسلامی باشد. مهم‌ترین دستور اجتماعی اسلام رعایت اخلاق در حکومت و در میان مردم است که پایه و اساس آن رعایت حقوق مردم می‌باشد. بر مبنای اخلاق اسلامی خودکامگی، دروغ، تهمت، استبداد، فقر فساد، آبروبری، دزدی، اختلاس، سوء استفاده از بیت‌المال و ریاکاری ممنوع است و در مقابل راستی، صداقت، شفافیت، رعایت حقوق مردم و

بیت‌المال، آزادی، تأمین معیشت مردم سفارش شده است. حال اگر جامعه بر این پایه اداره نشد آیا محتوای آن اسلامی است؟

نکته آخر این که نظام جمهوری اسلامی در کشوری به نام ایران برقرار است که حفظ آن نیز از اوجب واجبات است. حفظ کشور عزیزمان ایران در درجه اول به حکومت و سپس به مردم بازمی‌گردد. حکومت باید در درجه اول به تقویت نیروی نظامی برای تأمین حدود و مرزهای ایران بپردازد و تمام امکانات لازم را برای حفظ تمامیت ارضی ایران فراهم نماید. این اقدام لازم است ولی کافی نیست. برای کفایت امر نیاز به یک سیاست خارجی علمی و عاقلانه می‌باشد که موقعیت بین‌المللی ایران را ارتقاء دهد و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان عضوی فعال در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی جا بیندازد. سیاست خارجی فعال و موقعیت بالای بین‌المللی، ایران را از هر خطر خارجی مصون می‌دارد و باعث می‌شود جنگی دیگر به ایران عزیز تحمیل نشود.

ذکر این نکته در این جا نیز ضروری است که اگر در تأمین نیازهای نیروی نظامی کوتاهی شد و یا این که در سیاست خارجی مواضع و اقدامات ماجراجویانه و غیرعلمی و غیرعاقلانه دنبال گردید آیا در حفظ ایران بر طبق نظر امام خمینی عمل شده است؟ خلاصه این که حفظ نظام به معنای حفظ قالب و محتوای آن است که اگر چنین شد به نظریه امام خمینی عمل شده است وگرنه، نه.

دکتر سید محمد صدر